وصيتنامه شهيد قربان سوري جانشين گردان 153 لشکر 32 انصار

سخني دارم با شما جواناني که جوانيتان را از دست نداده ايد و حال که توانايي خدمت داريد در راه خدا مايه بگذاريد که زندگي چيزي جز جهاد و عقيده نيست و هر کس اين درس را آموخت چون ديگر برادران سپاه که او را به عمل در آوردن، شما نيز نيرو و توان خود را به عنوان يک برکت و نعمت الهي که خدا به شما عرضه داشته در راه خدا به کار اندازيد تا خون شهيدان تاريخ زنجيروار زنده گردد.

به نام خداي قادر و توانا

عيد ما روزي بود که از ظلم آثاري نباشد

در ميان اين جهان ديگر ستمکاري نباشد

در دوران دانش آموزيم بارها و بارها بود که حسرت مي خوردم که اي کاش درسم تمام شود و به عنوان يک پاسدار انقلاب اسلامي باشم هر چند همکاري مي کردم ولي خيلي دلم مي خواست تا خدمت بيشتري مي کردم و حال که اين آرزو شکوفا گرديده و اينجانب به سرزمين کربلاي ثاني (دهلران ) آمدم.

نصيحت هاي برادرانه اي را به عنوان يک پاسدار دارم و دوست دارم که شباهتي با قاسم (ع) داشته باشم و اين را از مربي بزرگ و رهبر جهان اسلام حسين (ع) آموختم.

درس ايثار در راه مکتب چه درس شيريني که عشاق آموختند.

سخني دارم با شما جواناني که جوانيتان را از دست نداده ايد و حال که توانايي خدمت داريد در راه خدا مايه بگذاريد که زندگي چيزي جز جهاد و عقيده نيست و هر کس اين درس را آموخت چون ديگر برادران سپاه که او را به عمل در آوردن، شما نيز نيرو و توان خود را به عنوان يک برکت و نعمت الهي که خدا به شما عرضه داشته در راه خدا به کار اندازيد تا خون شهيدان تاريخ زنجيروار زنده گردد.

و خون شهيدان از کربلاي حسين (ع) تا کر بلاي ايران خداي نکرده پاي مال نشود.

برادر و خواهران عزيزم به رهنمود هاي امام امت توجه خالص کرده و هميشه پيرو ايشان باشيد.

از يکايک برادراني که مرا مي شناختند و احيانا به آنها بي احترامي کرده ام اميدوارم که مرا ببخشند و حلال کنند. برادران عزيز سپاهي، برادراني که در کنار شما بوده اند و به شهادت رسيده اند، هدف والاي آنها را براي ديگران توجيه نماييد.

از خداوند بزرگ پيروزي لشکر اسلام بر کفر صدامي را خواستارم.

موفقيت و سلامتي همه شما برادران و خواهران را خواستارم.

درود بر امام خميني و سلام بر تمامي شهداي اسلام از آغاز تا کنون.

حاجي قربان سوري

1/1/1360دهلران